

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: نهج البلاغه جلسه نود و دوم تاریخ: ۸۸/۲/۱
 الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقرية الله في الارضين واللعن على اعدائهم اجمعين.

بحث ما با توفيق پروردگار در انواع و اقسام جهاد بود، عرض کردیم به این که قسم اول جهاد برای نجات مستضعفان از زیر سیطره‌ی مستکبران که یک مطلب جهانی و بسیار مهم است، قسمت دوم جهاد در برابر سلاطین و امرای جبار و ظالم، این دو با توجه به اصول و منابع خود بحث شد، قسم سوم جهاد برای رفع فتنه عرض کردیم در آیات قرآنی، جهاد برای رفع فتنه آیات متعددی دارد یکی در سوره‌ی انفال، آیه‌ی سی و نهم «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» دیگر در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۳ «فَاتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتِهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» اول باید بحث در معنی فتنه که قتال واجب است برای از بین بردن فتنه، فتنه لغتاً به چیزی که باعث امتحان شخص می‌شود «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال، ۲۸) و امثال این‌ها تعبیرها، بله فساد را بعداً بحث می‌کنیم چون بحث ما در فتنه است بله «وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ لِلَّهِ النَّاسُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَفْسَدَاتِ الْأَرْضِ» (بقره، ۲۵۱) آن بحث بعدی است فساد را بعداً بحث می‌کنیم بحث ما فعلاً در فتنه است، فتنه لغتاً «ما يتحنن به النفوس» چیزی است که باطن انسان را پیشامدهایی و جریان‌هایی که باطن انسان را ظاهر می‌کند، آشکار می‌کند لغتاً فتنه را به این معنا است این یک معنای جامعی است بین موارد مختلف، هم آیت الله طباطبایی (اعلی الله مقامه) در تفسیر المیزان، جلد نهم، صفحه‌ی هفتاد و پنجم، بعد از آن که معنای فتنه را به همین معنا که عرض کردیم بیان می‌کنند می‌گویند که «و غلب استعمالها في المقاتل و ارتفاع الأمن و انتقاد؟؟؟» ولی در عرف عام غالباً استعمال می‌شود در آن جا که جریانی پیش بیاید کشتاری صورت بگیرد امنیت و آسایش به هم بخورد، صلح و صفا به هم بخورد، نوعاً به آن می‌گویند فتنه، بنده برای خاطر این که معنای فتنه روشن شود در اخبار و آیات، رجوع کردم به فهرست بحار، می‌دانید که برای بحار بیست و چهار جلد، در یک مرکز دوازده جلد، در دفتر تبلیغات قم فهرست تنظیم شده است معجم المفهرس برای بحار، برای بیست و چهار، بیست و پنج جلد بحار، فهرست هم بیست و چهار جلد که هر کلمه‌ای را بخواهیم در نظر بگیریم، در کجای بحار جلد چندم، سطر چندم راهنمایی شده است بنابراین کلمه‌ی فتنه را می‌خواهیم ما در

بحار، پیدا کنیم که در موارد مختلف که به کار رفته است به چه معناست این یک راهی است که شما خودتان از این راه می‌توانید به فهرست بحار مراجعه کنید و هر کلمه‌ای را و این فتنه را، معنی اش را بدست آورید نمونه ما چند تا از آن را عرض می‌کنیم، «عن جابر عن أبي جعفر» آن البته فقط کلمه را می‌گوید، جمله را می‌گوید اما از چه کسی نقل شده است را نمی‌گوید، این عبارت بعد از نشان دادن فهرست مراجعه کنیم به آن جلدی که آن می‌گوید به آن صفحه‌ای که آن می‌گوید تا ببینیم که از کدام معصوم این جمله نقل شده است بنده خودم موقعی که این را تنظیم می‌کرد آمد این جا،؟؟؟ من گفتم شما اگر این قدر زحمت کشیدید قبل از این که این فهرست تنظیم کردید، بعد از تنظیم آمده بودند نزد بنده بعد از چاپ کردن، قبلاً با من صحبت می‌کردید من یک چیزی می‌گفتم که خیلی کار شما پر ارزش تر می‌شد، شما که نوشتید این جمله «و ينصروا المهدي حتى يشمل أهل البلادة فتنه» حضرت مهدی (علیه السلام) ظاهر نمی‌شود تا تمام شهرها را فتنه بگیرد این را نوشتید اما نوشتید از چه کسی است؟ یک کلمه نوشته الباقری، الصادقی، الکاظمی، الرضوی، خیلی زحمت برای مراجعه کننده کم می‌شد که این را حضرت امام باقر می‌فرمود، امام صادق می‌فرمود، اگر این کلمه را هم در جلوی آن می‌نوشتید چون آن‌ها با کامپیوتر آن‌ها را تنظیم می‌کنند اگر این کلمه را جلوی این می‌نوشتید خوب خیلی برای خواننده مفیدتر می‌شد اما نوشتید، حالا ما باید این جمله را بگیریم از فهرست شما، بعد خودمان برویم سراغ بحار ببینیم که این جمله را کدام امام فرموده، بله خلاصه این حالا خواندم این است که حضرت مهدی (علیه السلام) ظاهر نمی‌شود تا تمام شهرها را فتنه فرا گیرد، این بعد از مراجعه‌ی بنده که جلد پنجاه و دوی بحار، صفحه‌ی دویست و هفتاد و یک «عن جابر عن أبي جعفر (علیه السلام)» حضرت باقر (علیه السلام) فرموده است حضرت مهدی ظاهر نمی‌شود تا تمام شهرها را فتنه فرا بگیرد خوب این جا ما خیلی چیزها نوشته‌ایم من فقط خواستم راهنمایی کنم که آقا برای خاطر این که بدانید که فتنه در افکار نوعاً در چه معنا استعمال می‌شود راهش همین است که این کلمه را در نظر بگیرید بعد با معجم المفهرس بحار، در کدام جلد است که برای ف تاء است؟؟؟ و این‌ها می‌شود فتنه آن وقت آن به شما می‌گوید که این کلمه، در کجا و کجای بحار، جلد چندم و صفحه‌ی چندم و حتی سطر چندم را هم دارد به کار برده شده است با مراجعه به این هم معلوم می‌شود که آیت الله طباطبایی فرموده‌اند فتنه معنایش این است که جریانی به وجود بیاید، جریانی که اختلال و تشنج به وجود می‌آورد در زندگی مردم یک بلایی و مصیبتی محسوب می‌شود

کشتار و تخریب و به هم زدن امنیت و آسایش و رفاه و به هم زدن صلح و صفا در زندگی، این معنی فتنه است.

خوب اگر دشمنان اسلام، اگر یک همچنین جریانی به وجود آوردند «قاتلوهم» با آنها قتال کنید تا فتنه به طور کلی ریشه کن و برطرف شود این در دو جای از آیات وجود داشت که عرض کردیم. امام (رضوان الله تعالی علیه) بنده این جا نوشته ام این فهرست تقریباً دو سه صفحه جا گرفته، در کجا کجا به کار برده شده است مثلاً پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) «تکون بعدی فتنه» پیغمبر فرموده است بعد از من فتنه است «حب الدنيا مجمع کل الفتنه» مثلاً این گونه موارد «نعوذ بالله من الفتنه الدجال» مثلاً از این قبیل «إن الخوف الفتن عندی علیکم فتنه بنی امیه» مثلاً از این قبیل عبارتها زیاد در این جا وجود است بله.

خوب امام (رضوان الله تعالی علیه) خوب به عنوان یک علی از جنبه‌ی فقاقت، به عنوان کسی که خودش بالأخره اینها را تجربه کرده است اینها را، از این قبیل استدلال‌هایی که دارد در موارد متعددی، در مثل دفتر تبیان صحیفه‌ی نور، برای این که یکی از موارد جهاد از بین بردن فتنه است حالا به یکی از آنها برای نمونه ما مراجعه می‌کنیم. بله. خوب برای این که ایشان در جلد نوزده‌ی صحیفه‌ی نور، صفحه‌ی صد و پانزده، می‌گویند این که قرآن و کتاب الهی یک سفره‌ی گسترده‌ای است همه باید از آن استفاده کنند منتها هر کسی با هر نظری مراجعه می‌کند یکی از حوزه‌ها، حوزه‌های جنگ است، این جنگ برای خاطر آن است که دنبال آن، برای مردم آرامش و آسایش به وجود بیاید و فتنه را برطرف کند و تمام پیامبران این برنامه را در زندگی خودشان داشته اند، می‌گویند اگر نباشد ناقص است در هر دینی که جنگ نباشد ناقص است، بعد می‌گویند گمان حضرت عیسی (علیه السلام) اگر به آن مهلت می‌دادند، مثل حضرت موسی (علیه السلام) در مقابل فرعون و اینها قیام می‌کرد حضرت نوح (علیه السلام) قیام کرد و جهاد داشت و حضرت موسی قیام کرد و جهاد داشت بعضی می‌گویند ایشان اصلاً سرو کار با این امور نداشته فقط یک ناصح بوده نصیحت می‌کرده است، کسانی که می‌گویند حضرت عیسی (علیه السلام) فقط یک ناصح بوده این لطمه‌ای به نبوت عیسی می‌زنند اگر این گونه باشد عیسی پس پیامبر نبوده واعظ بوده است ایشان می‌گویند، اگر قرار باشد فقط یکی کارش نصیحت باشد می‌شود واعظ نه پیامبر، پیامبر کسی است که باید جنگ و جهاد داشته باشد کسانی که این گونه می‌گویند به نبوت عیسی لطمه می‌زنند اگر این گونه باشد معلوم می‌شود یک واعظ بوده نه یک نبی، واعظ غیر از نبی است، واعظ بر اساس آن دینی که هست نصیحت کند

به مردم تشویق کند مردم را برای رعایت احکام دین، خوب اما پیامبر او نیست پیامبر کسی است که ایشان می‌گویند باید شمشیر داشته باشد باید جنگ داشته باشد با کسانی که دشمن‌اند به جنگ برخیزد اول این مطلب می‌فرماید که در جلد نوزده‌ی صحیفه‌ی نور، صفحه‌ی صد و پانزده، تا می‌آید می‌رسد به این که ریشه‌ی قرآنی شعار جنگ جنگ تا پیروزی، در موقع آن هشت سال جنگ یکی از شعارها این بود ایشان می‌گویند این ریشه‌ی قرآنی دارد ریشه‌ی قرآنی شعار جنگ جنگ تا پیروزی، خدای تبارک و تعالی چون نظرش به این است که انسان‌ها در امنیت و در رفاه و اینها در سایه‌ی توحید زندگی کنند اینها هر کجا که فتنه هست، فتنه آرامش و آسایش را به هم می‌زند اینها که می‌گویند جنگ جنگ تا پیروزی درست می‌گویند یعنی پیروزی وقتی است که باید فتنه اخذ شود، جنگ جنگ تا موقعی که فتنه برطرف شود، این در یک جای دنیا نیست در همه جای دنیا بایستی فتنه برطرف شود، از این جهت این جنگ جنگ تا پیروزی، یعنی جنگ جنگ تا رفع فتنه، رفع فتنه هم باید فتنه قلع و قمع شود ما اگر توانستیم ایشان را در یک گوشه از دنیا، کسی که در کل دنیا پیروزی و فتنه را برطرف خواهد کرد، امام (علیه السلام) است بعد ایشان اینجا می‌روند سراغ آخوندهای درباری، می‌فرمایند به کسانی که با جنگ مخالف هستند با قرآن مخالف هستند آخوندهای درباری می‌گویند این کار شما مخالف قرآن است، آخوندهایی بدتر از آخوندهای درباری هم می‌گویند این کار شما عرض کنم که مخالف قرآن است، اگر کسی بگوید با فاتح جنگ نکنید مخالف قرآن است اگر کسی بگوید که فتنه را با جنگ برطرف کنید این مخالف قرآن است ما به حمد الله جوان‌های ما مشغول هستند این گونه، بعد هم ایشان آمدند برای استدلال بیشتر برای ما نحن فیه، استدلالش این است که دقت بفرمایید در جلد بیستم از صحیفه‌ی نور، صفحه‌ی سیصد و دوازده، می‌گوید در کتاب جاوید، قرآن کریم این آیه هست «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» این آیه در سوره‌ی توبه هست سوره‌ی نهم از قرآن، آیه‌ی بیست و چهارم، امام این را ذکر کرده است بعد می‌گوید این خطاب به مصلحت اندیشان و سازش کاران است آن زمان بعضی می‌گفتند که جنگ را تعطیل کنید به نظر خودشان از راه مصلحت اندیشی و سازش کاری با دشمن، این آیه می‌گوید خطاب به، مصلحت اندیشان و سازش کاران است دوباره که متأسف هستند برای شهادت جوانان و از دست رفتن مال‌ها و جان‌ها و

استکبار، این فتنه‌ی بزرگی است فتنه مستلزم این است که آن امنیت دینی، آسایش دینی آرامش دینی همه به هم بخورد، این استدلال امام (رضوان الله تعالی علیه) به این آیات که عرض کردیم برای جهاد و جنگ، برای همین از انواع جهاد، جهاد برای رفع فتنه و فساد است که در ایران به حمد الله موفق شد و واقع شد.

خوب حالا امام همان صحیفه‌ی نور که عرض کردیم مطالب جلد نوزده، مطلب اولی از جلد نوزده خوانده شد و مطلب بعدی از جلد بیستم عرض شد آدرس آن را هم عرض کردم این راجع به قسم سوم جهاد بود ولی آیه‌ی دیروز خواندیم که بسیار مهم است و پر محتوا است «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» این آیه، آیه بیست و پنجم از سوره‌ی انفال است، درباره‌ی فتنه داریم بحث می‌کنیم بله، آیه‌ی «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» ترجمه‌ی این آیه این است بترسید و دور کنید آن فتنه‌ای را که تنها به ظالمین نمی‌رسد، ظالمینی در جامعه به وجود می‌آیند، فتنه‌ای را ایجاد می‌کنند ولی دود آن به چشم همه می‌رود یعنی مجازات آن ظلم، تنها دامنگیر ظالم نمی‌شود علاوه بر این که دامنگیر ظالم است، دامنگیر همه‌ی جامعه می‌شود، از این قبیل فتنه‌ها بترسید، منظور چیست؟ قرآن گفته «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» آیه بیست و پنجم از سوره‌ی انفال است، می‌خواهیم ببینیم این چه فتنه‌ای بود که این گونه با این شدت، قرآن کریم، این گونه تحذیر کرده است «وَأَتَّقُوا» از بین ببرید ولو با شمشیر و جهاد هم بودید، اعم است دیگر، خوب این که ما یک تفسیر مقارن می‌خواهیم مفسرین ما با مفسرین عامه در تفسیر این آیه باز هم اختلاف دارند مثل بسیاری از آیات قرآن، در تفسیر صافی، تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان، تفسیر تبیان، گفتند این نظر دارد به همان غضب خلافت، چون در غضب خلافت ظالمین خاصی آمدند و فتنه به وجود آوردند، ظالمین خاصی آمدند و در سقیفه‌ی بنی ساعده آن کار را انجام دادند، ولی دودش به چشم آن‌ها تنها نرفت، به چشم همه‌ی مسلمانان رفته و دارد می‌رودای باعث به وجود آمدن مذاهب مختلف شد، به وجود آمدن وهابی‌ها شد، به وجود آمدن سیاست‌های مختلف شد، باعث ذلت و پریشانی کشورهای اسلامی شد و هکذا، هنوز هم باقیست اگر آن روز این فتنه به وجود نمی‌آمد، آن کسی که پیامبر خدا را معین کرد در سر جای خود می‌نشست این فتنه‌ها به وجود نمی‌آمد، پس «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» از آن فتنه‌ای که آن‌ها دامنگیر ظالمان می‌شود تنها دامنگیر ظالمان نمی‌شود و عمومیت پیدا می‌کند از آن فتنه بترسید، خوب آیه،

خسارت‌های دیگر، این به آن‌ها می‌گوید به آن‌ها می‌گویند این که شما در این آیه، خداوند متعال هر چیزی را گذاشته در یک کفه‌ی ترازو و بعد خدا و رسول جهاد، در یک کفه‌ی دیگر، آن هشت چیز ابناء و ابناء و اخوان و همسران و عشیره و اموال و تجارت و منزل و مسکن، این خیلی آیه‌ی عجیبی است این هشت تا را که انسان‌ها نوعاً به این‌ها دلبستگی دارند گذاشتند در یک کفه، کفه‌ی دیگر چیست؟ الله است و رسول خدا و جهاد فی سبیل الله، این دو کفه را با یکدیگر مقایسه کرده اگر این اولی بر دوم بچربد «فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» منتظر آینده‌ی ناگوار باشید این هشداری است باز آن کفه‌ی اول که خدا باشد و رسول و جهاد، علاقه به این‌ها بیش از کفه‌ی دیگر باشد اما اگر به أخذ شد علاقه‌ی آن به هشت چیز و یکی از هشت چیز یا همه‌ی آن بیش از آن‌ها باشد، «فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» منتظر آینده‌ی ناگوار باشید «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» خوب امام این آیه را ذکر کرده است به این ترتیب که عرض کردم ما توضیح دادیم، خوب بعد می‌فرماید به این که در این آیه ملاحظه می‌کنید که بعد از حب خدا و حب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بین تمام افراد جهاد فی سبیل الله را ذکر کرده است احکام اسلام زیاد دارد اما جهاد را ذکر کرده است و تنبه دارد که جهاد در رأس احکام است و حافظ اصول است و تذکر داده است اگر کسی قعود کند و به جهاد نرود منتظر عواقب ناگوار، عواقب ذلت و اسارت بار، بر باد رفتن ارزش‌های اسلامی باید باشد، خوب این یک مقدمه‌ای است که از این آیه می‌فهمیم که تهدید عظیمی برای این که، برای ترک جهاد، انقدر جهاد نقش دارد، پس از این جا استفاده می‌کنیم اما به جهاد، از این آیه استفاده می‌شود که جهاد واجب است.

مقدمه‌ی دوم، «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» بترسند کسانی که از امر خدا مخالفت کردند و فتنه به آن‌ها برسد، کلمه‌ی فتنه را ما باید بحث کنیم امام از این راه آمده سراغ فتنه، «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» کسانی که امر خدا را مخالفت کنند بترسند به آن‌ها فتنه برسد در دنیا یا از عذاب الیم در آخرت، این آیه‌ی شصت و سوم از آیه‌ی نور است این دومی، اولی آیه‌ی بیست و چهار از سوره‌ی توبه بود این آیه‌ی شصت و سه از سوره‌ی نور. خوب آمدیم سراغ فتنه، حالا ایشان می‌گویند کدام فتنه بالاتر از آن چه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام برپا کردن حکومت‌های ستم شاهی، برگرداندن مستشاران غارتگران آمریکایی، بر باد رفتن هست و نیست ملتی سر کشور ایران آوردند بنابراین، این که در جایی سلاطینی برقرار باشند ستمشاهی و استکبار و زیر سیطره‌ی

بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) این سنتی است تا یک ملتی خودشان روحیه‌ی خودشان را عوض نکنند خداوند هم نسبت به آنها یک پیشامدی به وجود نمی‌آورد که مناسب روحیات آنها باشد، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶) این سنت خداست اگر مردم ایمان فراوان داشته باشند درهای برکت بر روی آنها باز می‌شود در قرآن این گونه زیاد است اینها سنت است، مثل «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء، ۳۵) اینها سنت است دیگر، خوب اینها می‌گویند که المنار مخصوصاً خیلی عنایت دارد به این غیر مطالبها که خیلی مقرر هست و متعصب المنار، می‌گوید این سنن پروردگار را دارد یکی از سنت‌های پروردگار این است که اگر ظالمینی قیام کنند باید جلوی آنها را گرفت، از اول نباید از ظالمین هدف خودشان را انجام دهند اگر کنار نشستند سستی کردند ظالمین کار خودشان را انجام دادند نتیجه‌ی ظلم شان دامنگیر خودشان تنها، نمی‌شود، بلکه نتیجه‌ی ظلم آنها دامنگیر همه‌ی جامعه می‌شود این یکی از سنت‌های پروردگار عالم است. خوب آن وقت برده سراغ فتنه‌ی کشته شدن عثمان، جریان کشته شدن عثمان خیلی عجیب است، خود سنی‌ها در توجیه این از طرفی آمده‌اند گفته‌اند که تمام صاحبه کله عدول صحابه‌ی پیغمبر همه‌ی آنها عادل هستند یک، دوم «الصحابه کلّ مجتهدون» همه‌ی صحابه هم مجتهدند، بله، مجتهد اگر خطا رفت معذور است خوب آن وقت می‌آیند عثمان را جزء صحابه است کشندگان آن هم صحابه زیاد است چون همان قاتلین هم صحابه است این را چگونه توجیه کنیم؟ ماندند در آن چه بگویند بله، این یک مطلبی است و مطلب دوم این است که اینها همه را دیدم سنی‌ها در کتابشان همیشه در بحث خلافت، می‌روند از معاویه شروع می‌کنند از وسط شروع می‌کنند آن پله‌ی اول را شروع نمی‌کنند آن پله‌ی اول، همان موضوع سقیفه‌ی بنی ساعده است خوب در آن روز سقیفه اگر حق امیرالمؤمنین را نمی‌گرفتند کار این گونه نمی‌شد آن را حساب نمی‌کنند، تا می‌ماند فتنه‌ی عثمان، بله اول فتنه، فتنه‌ی عثمان بود، این فتنه به وجود آمد باعث شد که جنگ جمل به وجود بیاید جنگ صفین به وجود بیاید جنگ نهروان به وجود بیاید اینها رفتند سراغ این گونه موارد، این است که بنده عرض می‌کنم تفسیر مقارن می‌خواهیم این گونه موارد را همان طور که ما عرض کردیم و بقیه انشاءالله فردا.

خیلی آیه‌ی خوبی است اما سنی‌ها، حالا ببینید که من عرض می‌کنم و سنی‌ها تفسیر فخر رازی، تفسیر طبری، تفسیر المنار، تفاسیر آن‌ها، تفسیر ابن کثیر، عجیب است آنها آمدند گفتند این فتنه، فتنه‌ای است که در کشتن عثمان به وجود آمد، آن جا را قیچی کردند آن اصل اصل آن ثقیفه‌ی بنی ساعده است آن را بگذارید آمدند فتنه‌ی عثمان، حالا فتنه‌ی عثمان به گونه‌ای بود که عثمان کشته شد در آن روز نمی‌گذاشتند عثمان کشته شود فتنه به وجود نمی‌آمد، عثمان کشته شد در نتیجه‌ی کشته شدن عثمان، جنگ جمل به وجود آمد، جنگ صفین به وجود آمد، جنگ نهروان به وجود آمد، همین گونه چیزها، آنها بردند مطلب را به آن جا، خوب تفسیر صافی، بعد از ذکر آیه، آیه‌ی بیست و پنج از سوره‌ی انفال بود ایشان می‌گویند بله، موقعیت آن را ذکر کردند از امام صادق (علیه السلام) می‌گویند این آیه، تعبیر آن این است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کنار زدند و با بقیه بیعت کردند این فتنه‌ای به وجود آمد که این گونه ادامه دارد، تفسیر صافی و عرض کنم به این که تفسیر مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه‌ی چهارصد و نود و دو، همین گونه منتها در نقل روایات از اهل بیت جایی کم دارد و بعضی از جاها بیشتر دارد میزان که خیلی مفصل، تفسیر میزان، بله جلد نهم، جلد نهم میزان صفحه‌ی چهل و نه، ایشان می‌فرمایند که در صدر اسلام، این جریان متأسفانه به وجود آمد، و این فتنه‌ای که این آیه می‌گوید فتنه‌ی کوچک نیست باید فتنه‌ای باشد که دودش به چشم همه‌ی مسلمانان برود، چون می‌گوید به این که آن کسانی که «ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» به آنها نخواهد رسید، به همه خواهد رسید این گونه است ایشان می‌گویند این باید مربوط شود به حکومت و سلطنت، حکومت است که یک مطلب عمومی است بعد می‌گوید: «أَيُّهَا مَا كَانَ» این فتنه‌ای که در صدر اسلام به وقوع پیوست، این آیه «اَوْضَعِ الْإِنطِبَاقَ» بر همین فتنه است وحدت دینی از بین رفت، و اختلاف به وجود آمد و شوکت مسلمانان از بین رفت قتل و صبی و نحو و همه‌ی اینها به وجود آمد، بالأخره کاری رسید که «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان، ۳۰) این همه فتنه به وجود نمی‌آمد.

خوب اما آن‌ها، آنها آمدند گفتند که مثل فخر رازی و طبری و المنار و ابن کثیر و اینها می‌گویند اولاً این گونه مقدمه می‌چینند که این یک سنتی از سنن الهی را دارد بیان می‌کند چون در قرآن کریم، آیاتی هست که سنن را می‌گوید، سنت عالم خلقت را بیان می‌کند که ما دو نوع سنت داریم، سنت تکوینی داریم و یکی سنت تشریحی داریم، اینها سنت‌هایی است که قرآن می‌گوید مثلاً «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا